

Violence of digital natives on Instagram; From etiology to identification of infection control strategies

Bahar Hamzadeh

Doctoral student of criminal law and criminology of Mazandaran University, Mazandaran, Iran (Corresponding author).


hamzezadebahar@yahoo.com

 0009-0006-7679-8030

Ismail Haditabar

Associate Professor of Mazandaran University Law Department, Mazandaran, Iran.

e.haditabar@umz.ac.ir

 0000-0003-3351-2793

Abstract

The violence of teenagers on the Instagram social network is becoming widespread. The expression of violence by teenagers on Instagram is often in the form of live broadcasting and with the motives of "entertainment and release of excitement", "being seen and attracting the audience" and "expressing dissatisfaction" in three different models: "carnival violence", "artificial violence" and "protest violence". takes place The current research is trying to find out some strategies to control the spread of violence by descriptive-analytical method and by using library resources and data obtained through observation, etiology of widespread violence among teenagers in the Instagram space. The findings of this research show that specific causes and factors are involved in each model of violence, such as encouraging other users, imposing severe restrictions in society, and limited opportunities for flourishing and emotional release. In order to prevent the spread of teenage violence on Instagram and to control its contagion, "changing the social context of Instagram by de-filtering", "resorting to harm reduction policies" and at the same time "increasing the certainty and urgency of judicial-restorative prosecutions" are the three strategies proposed in this article.

Keywords: Digital natives, Self-presentation, Filtering, Restorative justice.

خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام؛ از علت‌شناسی تا شناسایی راهبردهای کنترلی^۱

بهار حمزه‌زاده

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).
hamzezadebahar@yahoo.com

0009-0006-7679-8030

اسماعیل هادی تبار

دانشیار گروه حقوق دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

e.haditabar@umz.ac.ir

0000-0003-3351-2793

چکیده

خشونت‌ورزی نوجوانان در شبکه اجتماعی اینستاگرام در حال فراگیر شدن است. ابراز خشونت نوجوانان در اینستاگرام اغلب در قالب پخش زنده است. تحقیق حاضر، با روش گردآوری داده‌ها به شیوه مشاهده مشارکتی و اسنادی، علت‌شناسی خشونت فراگیر نوجوانان در فضای اینستاگرام و یافتن برخی راهبردهای کنترل خشونت را در دستور کار قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد خشونت‌ورزی نوجوانان در سه مدل متفاوت «خشونت کارناوالی»، «خشونت تصنعی» و «خشونت اعتراضی» صورت می‌گیرد. هریک از این مدل‌های خشونت به ترتیب با انگیزه‌های «سرگرمی و تخلیه هیجان»، «دیدن شدن و جذب مخاطب» و «اعلام نارضایتی» صورت می‌گیرند و معلول عوامل خاص خود هستند. برای کنترل خشونت اینستاگرامی نوجوانان و کنترل آن به‌طور مشخص «تغییر بافت اجتماعی اینستاگرام با مسدودیت‌زدایی»، «توسل به سیاست‌های کاهش آسیب» و درعین حال «افزایش حتمیت و فوریت پیگردهای قضایی - ترمیمی» سه راهبرد پیشنهادی این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: خشونت‌ورزی، نسل شبکه، فرصت نابرابر، نوجوانان، کاهش آسیب، عدالت ترمیمی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۵۸-۶۵۵X / پژوهش‌کده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.435063.1533



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول با عنوان «رفتارهای خشونت‌بار کودکان و نوجوانان در مدارس، از تحلیل جرم‌شناختی تا ارزیابی برنامه‌های پیشگیرانه» در دانشگاه مازندران است.

مقدمه و بیان مسئله

اغلب نوجوانانی که در آغاز هزاره سوم و در دوران شکوفایی فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد شخصیت و جامعه‌پذیری را در فضای مجازی تجربه نموده‌اند؛ تحت تأثیر اجتماعی شدن مجازی و زیست سایبری خود، به ارزش‌ها و هنجارهای قانونی - اجتماعی کم‌توجه هستند (امیریان و کشوری، ۱۴۰۱، ص. ۱۳۶). تفاوت این نسل با نسل‌های قبل در خلقیات، رفتارها و سبک زندگی مورد اذعان پژوهشگران مختلف داخلی و خارجی است (Merriman, 2015, p. 1؛ حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸، ص. ۴۲). این تفاوت در زیست و سبک زندگی به‌حدی است که در ادبیات دانش جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی عناوین خاصی نظیر نسل اینترنت^۱، بومی‌های شبکه اینترنت^۲ یا بومی‌های دیجیتال^۳ برای تمایز این نسل از نسل‌های پیشین وضع شده است (Perensky, 2001, p. 1). یکی از اوصاف رفتاری نسل اینترنت، توسل عمومی، مستمر و مکرر به «خشونت»^۴ است که به‌گونه‌ای نگران‌کننده در میان آن‌ها به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال گسترش است. موضوعی که هم در برخی پژوهش‌ها ثابت شده است (طالعی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۴۱) و هم رصد شبکه‌های اجتماعی آن را تأیید می‌کند. در میان شبکه‌های اجتماعی مجازی، اینستاگرام^۵ به‌عنوان یک شبکه تصویرمحور بیش از دیگر شبکه‌ها مورد استقبال نوجوانان قرار گرفته است و ابزار پخش زنده^۶ اینستاگرام به رایج‌ترین شیوه برای ابراز خشونت مجازی نوجوانان تبدیل شده است.^۷

برخلاف خشونت نوجوانان در گذشته که در فضای حقیقی بروز می‌یافت و در دو قالب خشونت فیزیکی و خشونت زبانی قابل تقسیم بود که انواع فیزیکی آن بیشتر توسط پسران و علیه پسران و انواع زبانی یا ارتباطی آنکه با هدف تخریب روابط

1. Internet Generation
2. Network Native
3. Digital Natives
4. Violence
5. Instagram

۶. پخش زنده (Live) در اینستاگرام یکی از امکانات فوق‌العاده و کم‌نظیر این شبکه اجتماعی است که به کاربر اجازه می‌دهد که با مخاطبان خود ارتباط زنده برقرار نماید و در لحظه با آن‌ها صحبت کند و احساسات خود را با طیف گسترده‌ای از مخاطبان که در آن زمان در اینستاگرام حضور دارند، در میان بگذارد.

۷. هرچند آمار معتبری در خصوص میزان استفاده نوجوانان ایرانی از اینستاگرام وجود ندارد؛ لکن آمارهای معتبر در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که بیش از ۶۸ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله از اینستاگرام استفاده می‌کنند (مرکز ملی افکارسنجی دانشجویان جهاد دانشگاهی، ۱۴۰۲).

دوستانه، شهرت و محبوبیت بزه دیده انجام می شود بیشتر توسط دختران و علیه دختران صورت می گرفت (فلینت، ۱۳۹۳، ص. ۵۹). امروزه خشونت ورزی اینستاگرامی نوجوانان دچار دگردیسی در مفهوم و تعدد در الگوها و مصادیق شده است و هر مدل آن اوصاف خاص خود را دارد. صرف نظر از درصدی از خشونت های ابراز یافته که معلول عوامل فردی، روان پزشکی یا زیستی نظیر اختلال خودنمایی شخصیت است، به طور کلی شدت و واگیری خشونت در میان نوجوانان یا به تعبیری بومیان فضای مجازی^۱ به گونه بی سابقه ای در حال افزایش است. هرچند در میان نوجوانان ایرانی به جهت فرهنگ خاص جامعه ایرانی و جایگاه و کنترل گری نهاد خانواده در مقایسه با کشورهای غربی، درجه و گستره خشونت وضعیت مطلوب تری دارد؛ لکن نشانه های قابل توجهی از گسترش خشونت ورزی در فضای مجازی قابل مشاهده است. خشونت های که هم از جانب پسران و هم دختران نوجوان در حال وقوع است و برخلاف مدل کلاسیک خشونت، جنسیت نقشی متفاوت در نوع و میزان خشونت ایفا می نماید. در هر حال مقابله کارآمد با این وضعیت مستلزم کاربست تدابیر متناسب و متناظر با عوامل آن است. در حقیقت کنترل این وضعیت تا حدود زیادی به سیاست جنایی کارآمد و چندوجهی در مقابله با انحرافات فضای مجازی وابسته است؛ راهبردهای کنشی و واکنشی که متناظر با طیف گسترده علت های خشونت ورزی نوجوانان موضوع را با تلفیقی از راهبردها و راهکارهای متناسب با علل و عوامل دنبال نماید. این مهم در گذشته در وضعیت حکمرانی بر فضای مجازی ایران کمتر مورد توجه بوده است تا حدی که می توان گفت راهبرد روشنی برای مقابله با آسیب های اجتماعی نوپدید در قلمرو فارسی زبان شبکه های اجتماعی وجود نداشته است. لکن این موضوع از سال ۱۴۰۱ با تصویب «سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی» مورد اهتمام قرار گرفته است. در بخش اهداف کلان این سند راهبردی در بند ۱۲ بر ارزش ها، هنجارها و سبک زندگی اسلامی - ایرانی و در بند ۱۳ بر تحقق زیست بوم فضای مجازی سالم، مفید و ایمن، تأکید شده است. در این راستا نوشتار حاضر تلاشی در جهت توسعه ادبیات پژوهشی در این زمینه است.

۱. هدف و پرسش پژوهش

پژوهش حاضر تلاش دارد به طور مشخص به علت شناسی اجتماعی - روان شناختی خشونت ورزی نوجوانان در شبکه اجتماعی اینستاگرام بپردازد و راهبردهایی را برای

- کنترل خشونت مطرح نماید. در این راستا پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:
- ۱- علل و عوامل انواع خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام چیست؟
 - ۲- چه راهبردهایی برای کنترل خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

سابق بر این نوشتار پژوهش‌های متعددی به عوامل مؤثر بر خشونت و متأثر از خشونت کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند؛ به‌طورمثال سهراب‌زاده و سلیمان‌نژاد (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی علل و زمینه‌های خشونت نوجوانان دبیرستانی» به واکاوی عوامل دخیل در خشونت نوجوانان پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد خشونت متأثر از ترکیبی از فشارهای اجتماعی، روانی و اقتصادی است و ریشه در متن مناسبات اجتماعی مختلفی دارد. در پژوهش دیگری با عنوان «نقش واسطه‌ای صفات سنگدلی - فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری نوجوانان دختر» طاولی و زندنژاد (۱۴۰۲)، به این نتیجه دست یافتند که رابطه منفی و معناداری بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری در دختران نوجوان وجود دارد. به عبارتی با افزایش حمایت خانواده خشونت و قلدری نوجوان کاهش می‌یابد. نقش عوامل دیگر در خشونت‌ورزی نوجوانان از نگاه محققان دور نمانده است و پژوهشگران داخلی و خارجی متعددی مانند محمدزاده و همکاران (۱۳۹۴) یادگیری اجتماعی در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز؛ بابائی و همکاران (۱۳۹۲) نقش گسیختگی و آشفتگی خانواده و توسل به خشونت؛ گلچین و حیدری (۱۳۹۱) همبستگی بین یادگیری اجتماعی در بستر محیط اجتماعی و خشونت رفتاری؛ پارسامهر و همکاران (۱۳۸۹) تعلق به جامعه و نهادهای آن و کاهش خشونت؛ فاضل (۱۳۸۷) پیوند اجتماعی خانواده و کاهش خشونت؛ سهامی (۱۳۸۳) تحقیر نوجوانان و ارتکاب خشونت؛ واندر و همکاران (۲۰۱۷) پایبندی به قوانین و از بین رفتن خشونت؛ گرشوف و کایلور (۲۰۱۶) خشونت فیزیکی و عاطفی بین نوجوانان؛ پاردینی و همکاران (۲۰۱۵) ارتباط رفتار پرخاشگرانه با کیفیت پایین رابطه والد - فرزندی؛ ساویر و همکاران (۲۰۱۵) محیط مدرسه و رفتارهای خشونت‌آمیز؛ تواییه و الروف (۲۰۱۰) خشونت نوجوانان مدارس و تسری آن به جامعه؛ رایت و فیتزپاتریک (۲۰۰۶) مهارت‌های ارتباطی و تعدیل خشونت؛ آکرس (۱۹۹۸)، نقش رفتارهای خشونت‌آمیز بر خانواده محله و مدرسه؛ را مورد تمرکز قرار داده‌اند. با این‌همه و علی‌رغم تعدد مطالعات مربوط به خشونت نوجوانان، پژوهش داخلی که

به طور خاص به علت شناسی خشونت ورزشی نوجوانان در شبکه اجتماعی اینستاگرام پرداخته باشد، توسط نگارندگان یافت نمی شود، مطالعه ای که نوجوانان ایرانی را که در اقسام نوین خشونت درگیر شده اند را مورد تمرکز قرار دهد.

۳. ملاحظه های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

۱- **خشونت کارناوالی**: اصطلاح رفتارهای مجرمانه کارناوالی عنوانی است که جرم شناسی با نام بکتین برای نخستین بار جهت اشاره به بخشی از زندگی پاره ای از افراد استفاده کرده است (آقایی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹۸). در واقع رفتارهای کارناوالی^۱ آن بخش از زندگی است که در دنیای رسمی و منطقی و نیز به وسیله قانون گذاران و سیاستمداران پذیرفته شده نیست. این قلمرو محیط مناسبی برای تجربه رفتارهای متهورانه، غیرمنطقی و آزادی از نظام های ارزشی و هر قیدوبندی است.

۲- **خشونت تصنعی**: خشونت تصنعی، گونه ای خاص از خشونت ورزشی است که جنبه واقعی ندارد و برای دیده شدن صورت می گیرد در این نوع از خشونت، شخص در حقیقت خالی از هرگونه خشم و عصبانیت است و ابراز خشم جنبه نمایشی دارد.

۳- **خشونت اعتراضی**: گونه دیگری از خشونت که برخلاف خشونت تصنعی جنبه واقعی دارد این نوع از خشونت ورزشی، مقاصد خاصی را دنبال می کند و با اهداف اعتراض یا انتقاد نسبت به وضع موجود یا اقدامات دیگران صورت می پذیرد. در خشونت اعتراضی، شخص با معیارهای خاص خود دیگر افراد یا موضوعات را به قضاوت می گذارد و چون با مطلوب و معیار وی فاصله دارند، با آنها به نحو خشونت آمیزی مخالفت می شود.

۳-۲. مبانی نظری

در سال ۱۹۹۰ میشل گات فردسون و تراویس هیرشی نظریه ای درباره جرم را منتشر کردند؛ با این ادعا که تمامی انواع جرم را می توان توسط خودکنترلی پایین همراه با فراهمی فرصت ها تبیین نمود. به باور ایشان ارتکاب جرم اغلب مستلزم کامروایی ساده و آنی امیال بوده و بهره های بلندمدت اندک دارند؛ برانگیزاننده و خطرپذیرند و به مهارت یا طرح ریزی اندکی نیاز دارند؛ و اغلب بهره های اندکی را

۱. شاید وجه تسمیه این عنوان آن باشد که در زمان های برگزاری کارناوال در بسیاری از جوامع انجام رفتارها و حرکتی که در حالت عادی در زندگی، اجتماعی غیرمجاز و ممنوع است جواز انجام می یابند.

نصیب مجرم می‌گردانند درحالی‌که برای بزه‌دیده درد و رنج به ارمغان می‌آورند (ولد، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۰). این نظریه به‌خوبی قابلیت بهره‌برداری در تحلیل علت‌شناختی خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام را دارد چه آنکه تمام ویژگی‌های مذکور در این بزه موجود است. بر مبنای این نظریه پرورش ناکارای کودک مهم‌ترین نقش را در خودکنترلی پایین دارد و پرورش مناسب و کافی کودک که به خودکنترلی بالا در وی منجر می‌شود، هنگامی رخ می‌دهد که رفتار کودک زیر نظر گرفته‌شده و هرگونه کژروی تشخیص داده شود و تنبیه گردد. در حقیقت واپس‌های بیرونی بر روی رفتار کودک و درنهایت در فرایندی که تحت عنوان اجتماعی شدن توصیف می‌گردد درونی می‌شوند. علاوه‌براین برخی وضعیت‌ها یا ویژگی‌های ساختاری - ابزاری اینستاگرام، هیجانات طبیعی را به سمت شدت‌یافتن، خارج شدن از حالت عادی و طبیعی خود و مخاطره‌آمیز شدن سوق می‌دهد. یکی از این وضعیت‌ها، «فردیت‌زدایی» شدید در اینستاگرام است. فردیت‌زدایی نوعی از رهاشدگی است که به علت از دست رفتن هویت فردی هنگام حضور در جمع مشاهده می‌شود. فردیت‌زدایی با کاهش خودآگاهی موجب می‌گردد تا اعضای گروه به پیامدهای منفی عمل خود توجه نکنند، مهارگری شناختی در آنها کاهش یابد، به هنجارهای درونی برای کنترل رفتار خود متوسل نشوند و در نتیجه رفتارهای خشونت‌آمیز برانگیخته‌وار آنان افزایش یابد (دادستان، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۱). مطابق نظریه موسوم به اندک‌اندک هویت فردی خود را به فراموشی می‌سپارند و هویت فردی و شخصیت ایشان به‌حدی در داخل گروه تحلیل می‌رود که می‌توان از بی‌ارادگی آن‌ها سخن گفت. به‌طور مشخص دو عنصر «گمنامی» و «شمار اعضای گروه» درجه فردیت‌زدایی را تعیین می‌کند.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر تلاش نموده است به تحلیل علت‌شناسی خشونت‌ورزی نوجوانان بپردازد. روش انتخابی در این پژوهش قوم‌شناسی لحظه‌ای است. قوم‌شناسی لحظه‌ای یعنی درگیری عمیق محقق در لحظات کوتاه جرم با عضویت یا همراهی با برخی افراد یا گروه‌های معارض قانون. این روش را می‌توان گونه‌ای از قوم‌نگاری مجازی به حساب آورد که محقق با افراد مورد مطالعه در لحظات ارتکاب بزه یا رفتار ناهنجار به‌صورت مجازی همراهی می‌نماید. در این روش از رهگذر توجه دقیق به

سبک زندگی روزمره افراد تحت مطالعه، زمینه‌ای فراهم می‌آید که از طریق آن ویژگی‌ها و احساسات لحظه‌ای در وجود اجراکننده رفتارها و بطن نمایش جرم و تخلف به دیگران نمایش داده شود (آقایی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۹). ابزار گردآوری داده‌ها علاوه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده مشارکتی در شبکه اجتماعی اینستاگرام بوده است. به این ترتیب که در بازه زمانی آذر و دی ماه ۱۴۰۲ با جست وجوی کلیدواژه محاوره‌ای (#لایو_بی_اعصاب) ۲۸۹ پخش زنده آمیخته با خشونت که اجرا و ذخیره شده بود، یافت شد که بیشتر این تعداد به دلایلی همچون سن و محتوا و... مرتبط با موضوع نبود. در این میان ۵۷ مورد مرتبط با موضوع تشخیص داده شد و مربوط به نوجوانان با بازه سنی حدود ۱۴ تا ۱۸ ساله بود. با بررسی تمام ۵۷ پخش زنده مرتبط با موضوع و عدم یافت داده‌های جدید، اشباع نظری حاصل شد و به جهت تشابه بسیاری از مصادیق با یکدیگر، با این پیش‌فرض که احتمالاً میان خشونت‌ورزی پسران و دختران تفاوت وجود دارد، ۱۸ مورد از پخش زنده‌های پسران و ۱۸ مورد از پخش زنده‌های دختران به صورت تصادفی انتخاب و مورد رصد و تحلیل تماتیک قرار گرفت.

۵. یافته‌ها

در گذشته عموماً خشونت نوجوانان، پرخاشگری یا خشم فراتر از حدی در نظر گرفته می‌شد که نوجوان نتواند برانگیختگی خود را مهار کند^۱ و کمتر نویسندگانی مانند ولفگانگ^۲ و فراکوتی^۳ (۱۹۶۷) کنش خشونت نوجوانان را شیوه‌ای برای دستیابی به منزلت در خرده‌فرهنگ‌ها در نظر می‌گرفتند (Wolfgang & Fracucuti, 1967). لکن امروزه با ظهور و رواج فضای مجازی و به‌ویژه شبکه اجتماعی اینستاگرام، خشونت‌ورزی نوجوانان دچار یک دگردیسی مفهومی شده است و برخلاف خشونت در معنای رایج گذشته که غالباً، احساسی ناخواسته و نمود بیرونی خشم و عصبانیت بود، امروزه بر گستره مصادیق خشونت‌ورزی افزوده شده و صرفاً برخی از خشونت‌ها، برای اعلام نارضایتی و مخالفت است. در موارد بسیاری، خشونت نوجوانان از پیش برنامه‌ریزی شده و با هدف سرگرمی و تخلیه هیجان است، در مواردی نیز خشونت به قصد دیده‌شدن، خودنمایی و افزایش دنبال‌کنندگان است. به

۱. این مدل مفهومی خشونت که خط اصلی پژوهش‌ها در زمینه رابطه شخصیت با خشونت را ترسیم نموده توسط مگارگی (۱۹۸۲) مطرح شده است.

2. Wolfgang
3. Fracucuti

این ترتیب رایج‌ترین مدل‌های خشونت‌ورزی نوجوانان را می‌توان در سه مدل «خشونت کارناوالی»، «خشونت تصنعی» و «خشونت اعتراضی» متمایز ساخت. مبنای این تمایز، در درجه اول انگیزه مجری خشونت است که بر شیوه، نوع و درجه خشونت و بازخورد دیگران نیز تأثیر می‌گذارد.

۵-۱. خشونت کارناوالی

در بسیاری از موارد خشونت‌ورزی نوجوانان در بستر اینستاگرام ماهیتاً از سنخ خشونت کارناوالی است و نوجوانان مرتکب خشونت جهت تخلیه هیجانات لحظه‌ای و ترشح آدرنالین به خشونت‌ورزی متوسل می‌شوند. در این مدل غالباً خشونت‌ورزی به صورت گروهی انجام می‌شود. به این صورت که یا پخش زنده جمعی است و یا افراد مختلف در یک پخش زنده حضور دارند، خشونت‌ورزان و بزه‌دیدگان خشونت با یکدیگر آشنایی قبلی دارند. مخاطب خشونت، فردی معین و اغلب هم‌سال و هم‌بازی با مرتکب یا مرتکبان است که یا با تصمیم جمعی و یا به صورت نوبتی و یا به شیوه تصادفی و شانس انتخاب می‌شود. گاه این مدل خشونت در قالب دوربین مخفی انجام می‌شود و موجب خشم طرف مقابل یا خنده وی می‌گردد. سطح خشونت نسبتاً شدید است و در مواردی که افراد جمعاً در یک مکان هستند ممکن است به کتک کاری تحقیرآمیز^۱ نیز بیانجامد.

۱. کتک‌کاری تحقیرآمیز (Happy Slapping) شامل فیلم گرفتن از حمله فیزیکی به بزه‌دیده و انتشار متعاقب آن برای تحقیر عمومی بزه‌دیده می‌باشد (Chan & et al., 2012, p. 44).



تصویر (۱): نمونه‌ای از خشونت کارناوالی



شکل (۱): مدل واره خشونت کارناوالی

در میان ۱۸ پخش زنده خشونت‌آمیز پسران، ۱۱ مورد قابل جای‌گذاری در این مدل بود و در میان ۱۸ پخش زنده دختران، صرفاً ۲ مورد ماهیتاً از این مدل قلمداد می‌شود.

جدول (۱): فراوانی خشونت کارناوالی بر مبنای جنسیت

جنسیت	درصد
پسران	۶۱
دختران	۱۱

۵-۲. خشونت تصنعی

در سال‌های اخیر «دیده شدن» به واسطه شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش‌ازپیش امکان یافته است. در میان شبکه‌های اجتماعی مختلف اینستاگرام به‌عنوان یک شبکه مبتنی بر تصویر بیش از دیگر شبکه‌های اجتماعی «امکان دیده‌شدن» را فراهم نموده است. الگوریتم خاص این شبکه به‌گونه‌ای است که موضوعات عامه‌پسند^۱ که کاربران بیشتری با آن تعامل اعم از پسند^۲، اظهارنظر^۳ و... برقرار نموده‌اند، به‌صورت تصاعدی انتشار می‌یابد و بیش از دیگر محتواها امکان دیده‌شدن و جذب مخاطبان را به همراه دارد. نوجوانان پُرشماری با درک تجربی این الگوریتم تمام تلاش خود را برای جذب مخاطبان و دنبال‌کنندگان بیشتر به‌کار بسته‌اند و با ابراز خشونت و محتوای خشونت‌آمیز، سعی در دیده‌شدن و جذب مخاطبان و افزایش شمار دنبال‌کنندگان دارند. انگیزه‌های این مدل از خشونت‌ورزی گاه جنبه اقتصادی و گاه ماهیت روان‌شناختی دارد. درواقع برخی از نوجوانان با خشونت به جلب نظر مخاطب برای افزایش دنبال‌کنندگان خود می‌پردازند تا بتوانند صفحه شخصی خود را از حیث تعداد دنبال‌کنندگان آماده یک فعالیت اقتصادی یا تبلیغات یک محصول نمایند. برخی دیگر خواهان توجه مخاطبان به‌خودی‌خود هستند و به نظر می‌رسد چندان افزایش تعداد دنبال‌کنندگان برای اهداف اقتصادی را در نظر ندارند.^۴ این مدل از خشونت‌ورزی اغلب به‌صورت انفرادی صورت می‌گیرد و شخص حتی مخاطب دیگری که به‌صورت هم‌زمان و تعاملی پخش زنده را پیش ببرند، ندارد. مخاطبان چنین پخش زنده‌ای غالباً افراد ناشناسی هستند که صفحه شخص را به‌صورت اتفاقی

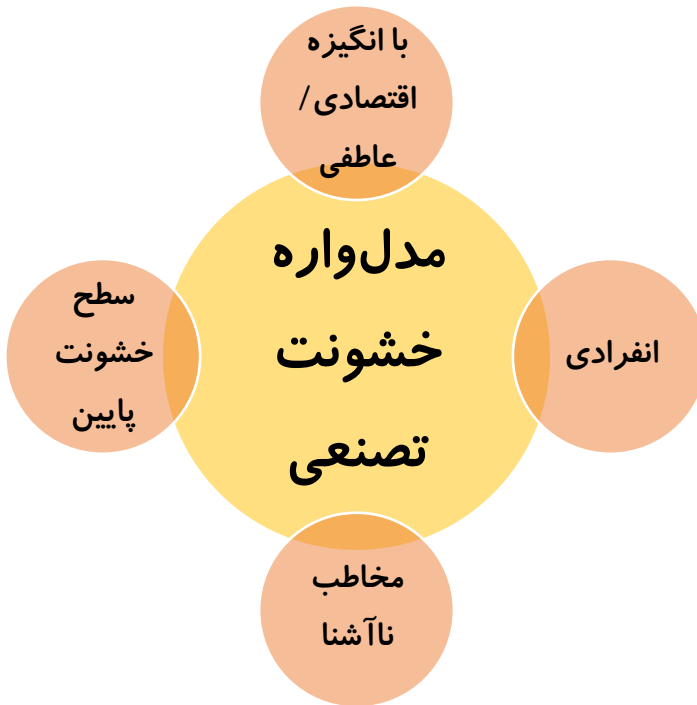
1. popular topics
2. like
3. comment

۴. البته باید توجه داشت که تفکیک این دو دسته زمانی که شمار دنبال‌کنندگان بالا رفته است چندان ساده نیست چون غالب صفحه‌های اینستاگرامی پربازدید به‌سرعت صبغه اقتصادی می‌گیرند.

دنبال می‌کنند و برخلاف مدل قبلی اغلب ارتباط و آشنایی غیرمجازی بین ایشان وجود ندارد. سطح خشونت‌ورزی در این مدل خاص، پایین است و به خوبی جنبه‌های تصنعی یا نمایشی بودن آن هویدا است.



تصویر (۲): نمونه‌ای از خشونت تصنعی



شکل (۲): مدل‌واره خوشونت صنعتی

بر خلاف مدل قبلی در این مدل تعداد دختران به مراتب بیشتر از تعداد پسران است. به گونه‌ای که در میان ۱۸ پخش زنده خوشونت‌آمیز پسران تنها ۳ مورد از این نوع به حساب می‌آید در مقابل در میان ۱۸ پخش زنده دختران ۱۳ مورد در این مدل جای می‌گیرد.

جدول (۲): فراوانی خوشونت صنعتی بر مبنای جنسیت

جنسیت	درصد
پسران	۱۶
دختران	۷۲

در این مدل خاص از خوشونت تعامل دیگر کاربران با نوجوان موضوعی در خور توجه است؛ زیرا با ارزیابی بازخوردهای دیگران می‌توان میزان احساس رضایت نوجوان در جلب نظر دیگران را ارزیابی نمود؛ موضوعی که به شدت بر استمرار خوشونت نوجوان به شدت مؤثر است. تفاوت‌های قابل توجهی در این نوع از

خشونت ورزشی از جهت تعامل دیگر کاربران بین دختران و پسران وجود دارد. مشاهده‌ها و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که اغلب اظهارنظرهای دیگر کاربران برای خشونت ورزشی تصنعی دختران، جنبه تحریکی و تشویقی دارد؛ و اغلب با عباراتی کوتاه نظیر «دقیقاً، درستشم همینه، خوب کردی و...» یا با تصاویر گل و علامت‌های مثبت مورد تأیید و پسند قرار می‌گیرد. لکن اظهارنظرها نسبت به خشونت ورزشی پسران بیشتر با سرزنش یا خشونت متقابل همراه است. این به آن معنا نیست که خشونت ورزشی پسران مورد تشویق قرار نمی‌گیرد بلکه به‌طور میانگین از مجموع بازدیدهایی که پخش زنده خشونت پسران داشته است، ۱۶ درصد با تشویق و بازخوردهای مثبت همراه بوده است. ۵۱ درصد بازدیدکنندگان هیچ تعاملی با محتوای خشونت‌آمیز نداشته‌اند و ۳۳ درصد کاربران نیز بازخوردهای منفی نسبت به این خشونت ورزشی داشته‌اند. درحالی‌که بازدیدهایی که از محتوای خشونت‌آمیز دختران به عمل آمده است، به‌طور میانگین ۵۵ درصد با تشویق و بازخوردهای مثبت همراه بوده است. ۳۲ درصد بازدیدکنندگان هیچ تعاملی با محتوای خشونت‌آمیز نداشته‌اند و تنها ۱۳ درصد کاربران نیز بازخوردهای منفی نسبت به این خشونت ورزشی داشته‌اند.

جدول (۳): تعامل کاربران با خشونت ورزشی پسران

بازخوردهای منفی	بی‌واکنش	بازخوردهای مثبت	
۳۳ درصد	۵۱ درصد	۱۶ درصد	پخش زنده خشونت‌آمیز

جدول (۴): تعامل کاربران با خشونت ورزشی دختران

بازخوردهای منفی	بی‌واکنش	بازخوردهای مثبت	
۱۳ درصد	۳۲ درصد	۵۵ درصد	پخش زنده خشونت‌آمیز

۳-۵. خشونت اعتراضی

اینستاگرام به‌مثابه یک تریبون در گستره‌ای به اندازه قلمرو جغرافیایی کاربران هم زبان در جهان گسترش یافته است. تریبونی که به دلایل مختلف بیش از آنکه محل گفت‌وگو از تفاهم‌ها و همدلی‌ها باشد، صبغه اعتراضی دارد. درواقع اغلب بیانات این تریبون اعتراضی است هرچند موضوع و مخاطب بسته به قائل اعتراض متفاوت است. در مواردی که معترض یک نوجوان است، اغلب ابراز ناراضی‌نیتی نسبت به فردی خاص

غالباً از اعضای خانواده است و بعضاً ساختارها، دولت و جامعه موضوع انتقاد و اعتراض است. انگیزه‌های این مدل از خشونت اعتراضی، اغلب عاطفی است و کمتر جنبه تصنعی دارد. به صورت انفرادی ابراز می‌شود و مخاطبان و مستمعان این اعتراض ترکیبی از افراد آشنا و غیرآشنا هستند که نوجوان بدون ملاحظه حریم خصوصی خود و خانواده‌اش شروع به درددل با آنها می‌نماید. سطح خشونت‌ورزی پایین و دارای نوسان است به‌گونه‌ای که در ابتدای پخش زنده، خشونت بیشتر است و در انتها به‌شدت از خشونت کاسته می‌شود.



تصویر (۳): نمونه‌ای از خشونت اعتراضی



شکل (۳): مدل واژه خشونت اعتراضی

برخلاف دو مدل قبل که به ترتیب در مدل اول خشونت پسران و در مدل دوم خشونت دختران به نحو معناداری بیشتر بود، در این مدل نسبت خشونت دختران و پسران تقریباً مشابه است و از ۱۸ کاربر پسر، ۴ کاربر و از ۱۸ کاربر دختر، ۳ کاربر به انتقاد و اعتراض پرداختند؛ البته موضوعات مورد اعتراض هر دسته تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد.

جدول (۵): فراوانی خشونت اعتراضی بر مبنای جنسیت

جنسیت	درصد
پسران	۲۳
دختران	۱۷

۶. تحلیل علت‌شناختی مدل‌واره‌ها

انحراف خشونت نوجوانان پدیده‌ای پیچیده و با متغیرهای متعدد است؛ لذا علت‌شناسی تک‌عاملی در خصوص آن ره به مقصود نمی‌برد، به‌ویژه آنکه بستر

ارتکاب این انحراف یعنی شبکه اجتماعی اینستاگرام به‌عنوان پدیده‌ای نوین و پویا بر پیچیدگی‌های مسئله افزوده است؛ بنابراین بایسته است برای تحلیل علت‌شناسی خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام، رهیافت‌ها و آموزه‌های نظریات مختلف به‌صورت تلفیقی به‌کار بسته شود. درعین‌حال جهت تدقیق بیشتر، متناظر با تفاوت‌های انواع مدل‌های خشونت، علت‌شناسی انواع خشونت به‌صورت مجزا مورد بحث قرار گیرد؛ لکن باید توجه داشت که ممکن است برخی علل و عوامل و تبعاً برخی نظریات در چند مدل قابل طرح باشند.

۶-۱. علت‌شناسی خشونت کارناوالی

به‌طور کلی رفتار خشونت کارناوالی، بیش از همه مختص کسانی است که از جامعه طرد شده و یا به حاشیه‌نشینی محکوم شده‌اند؛ یعنی آن‌هایی که با توجه به تفسیری که از ماهیت زندگی خود دارند خود را قربانی و فاقد هرگونه قدرت، امتیاز و جایگاهی در جامعه قلمداد می‌کنند (آقایی، ۱۳۹۷، ص. ۳۰۰). از این رهیافت بر مبنای یک استدلال کل به جزء می‌توان نتیجه گرفت، نوجوانانی که موفقیت و شکوفایی کمتری را در زندگی شخصی تجربه نموده‌اند، بیشتر مستعد انجام خشونت کارناوالی هستند هرچند قطعیت و صحت این موضوع در خصوص خشونت نوجوانان به این جهت که مورد بررسی علمی و تجربی مستقل قرار نگرفته است، قابل‌خداشه است لکن این نتیجه همسو با رهیافت‌های نظریه پسران بزهکار کوهن است که خرده‌فرهنگ بزهکاری پاسخ دسته‌جمعی افرادی است که در ساختار اجتماعی موقعیت یکسانی داشته و برای کسب موقعیت اجتماعی بالا و مزایای مادی‌ای که به‌تبع این موقعیت حاصل می‌شود احساس ناتوانی می‌کنند و انتخاب خرده‌فرهنگ بزهکار به‌طور دسته‌جمعی راه‌حلی است برای کسب موقعیت اجتماعی فرد بر اساس معیارهایی که از طرف آنان پذیرفته شد و انجام آن‌ها برایشان امکان‌پذیر است (احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۷۳). نوجوانانی که خود را عاجز از فرصت‌های ابراز خود می‌بینند، ارزش‌های تعیین‌شده و مسلط فرهنگی جامعه را نه رد می‌کنند و نه دگرگون می‌سازند بلکه صرفاً برگونه‌هایی خاص از ارزش‌های زیرزمینی تأکید دارد ارزش‌هایی همچون خطرپذیری، ماجراجویی سرگرمی و تفریح ارزش‌هایی که بخشی از جامعه متعارف را تشکیل می‌دهد اما گاه در عمل به آن‌ها بیش‌ازحد زیاده‌روی می‌شود حاصل آنکه واکنش افراد جوان و نوجوان در پاسخ به محدودبودن امکان دسترسی به فرصت‌ها متوسل شدن به‌گونه‌هایی از هیجان‌خودساخته است که به

خود آنان اختصاص دارد (وایت و هینز، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۲) و با هدف فرار از واقعیت‌ها و دنیای منطبق و استدلال صورت می‌گیرد. باید توجه داشت که در هر حال قسمتی از علل خشونت کارناوالی را با محدودیت‌های رسمی یا غیررسمی حاکم بر جامعه واقعی ارتباط داد. چه آنکه اگر نوجوانان بتوانند هیجانان نوجوانی را در محیط‌های واقعی بروز دهند، جذابیت و سهم فضای مجازی و به‌طور خاص اینستاگرام برای تخلیه احساسات و هیجانان کاسته می‌گردد. از همین جهت است که گفته شده است فضای مجازی کشورهای بسته، مستعد خشونت‌ورزی بیشتری نسبت به کشورهای آزاد و لیبرال است (Jaishankar, 2008, p. 290). شدت و فزاینده‌گی درجه خشونت اینستاگرامی نوجوانان در خشونت کارناوالی را نیز می‌توان به مجازی بودن ارتباط و سهولت خنثی‌سازی کنترل‌گرهای درونی در روابط مجازی ارتباط داد، چه آنکه در فضای مجازی امکان خنثی‌سازی کنترل‌گرهای درونی نیز در آن بیشتر است و برای ابراز خشم و خشونت تقریباً هیچ مانع خاصی وجود ندارد.



شکل (۴): مؤلفه‌های جرم‌شناختی دخیل در خشونت کارناوالی

۲-۶. علت‌شناسی خشونت تصنعی

نوجوانانی که در تلاش برای ابراز وجود و دیده‌شدن برمی‌آیند اغلب چیزی برای عرضه کالاهایی که بازار رسانه بر آن‌ها تأکید دارد، در اختیار ندارند چه آنکه نوجوانان اغلب فاقد ویژگی‌های اکتسابی خاص نظیر تحصیلات، تخصص، ثروت و...

هستند؛ لذا برای دیده‌شدن عموماً به رفتارهای خلاف عرف، اخلاق و قانون متوسل می‌شوند. یکی از در دسترس‌ترین ابزارهای کودکان و نوجوانان برای دیده‌شدن انجام رفتارهای غیرعادی در قالب خشونت‌ورزی است به‌جهت آنکه عموماً خشونت از یک کودک یا نوجوان مورد انتظار نیست، بیشتر مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد و اغلب بازخوردهای فراوانی به همراه دارد. زمانی که فرد نوجوان خشونت‌تصنعی را آغاز می‌کند در مواردی که با بازخوردهای مثبت و تشویق دیگران مواجه می‌شود؛ لذا می‌توان واکنش‌های دیگران را یک عامل استمرار خشونت‌تصنعی به حساب آورد (Bandura, 1965, p. 592). آنچه که بر نگرانی‌ها می‌افزاید سرایت بالای این پدیده در میان کودکان و نوجوانان است که بعضاً به‌واسطه درآمدزایی و منفعت اقتصادی حاصل از جذب دنبال‌کنندگان بیشتر، موضوع مورد حمایت و تشویق دیگران و والدین نیز قرار می‌گیرد.

از منظر دیگری می‌توان بر مبنای نظریه «خودکنترلی پایین»، کودک‌پروری ناصحیح را به‌عنوان عامل خشونت‌تصنعی مطرح نمود. تطبیق رهیافت‌های نظریه خودکنترلی پایین با فرزندپروری رایج خانواده‌ها در مقطع فعلی که بر ارضای حداکثری نیازهای کودک استوار است، نشان می‌دهد که به‌وضوح می‌توان بخشی از علل خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام را به خودکنترلی پایین نوجوانان مربوط ساخت. توضیح آنکه به‌طور عمومی تفاوت قابل‌توجهی که تربیت این نسل با نسل‌های گذشته دارد بیش از آنکه مربوط به تفاوت‌های فردی - زیستی باشد معلول نحوه تعامل والدین است که به‌صورت حساب‌نشده‌ای توأم با افراط و تفریط است. در دوران کودکی والدین عموماً در مقام ارضای تمام تمایلات و خواهش‌های کودکان برمی‌آیند لکن در دوران نوجوانی افسار تربیت به‌گونه‌ای نامتوازن کنترل می‌شود به‌گونه‌ای که سخت‌گیری‌ها در فضای حقیقی افزایش و در فضای مجازی نوجوان کاملاً به حال خود رها می‌شود؛ بنابراین عجیب نیست که نوجوان رها شده در فضای اینستاگرام که از خودکنترلی پایینی برخوردار است، برای جلب نظر دیگران به هر رفتاری و از جمله خشونت متوسل شود.^۱

۱. به اعتقاد ایوت و همکارانش هنگامی که یک فرد فشارقوی و کنترل‌ضعیفی را تجربه می‌کند بزهکاری و خشونت در بالاترین حد ممکن قرار می‌گیرد (ولد، ۱۳۹۱، ص. ۴۰۶).



شکل (۵): مؤلفه های جرم شناختی دخیل در خشونت کارناوالی

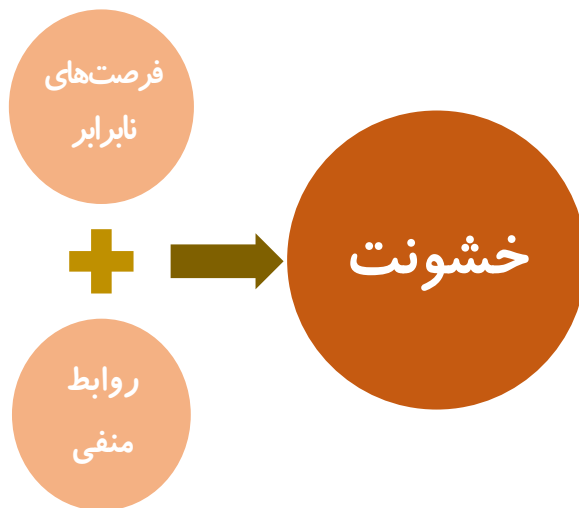
۳-۶. علت شناسی خشونت اعتراضی

اینستاگرام علاوه بر اینکه با قابلیت‌ها و ابزارهای ویژه و منحصر به فردش کاربران یا شهروندان فضای مجازی را شیفته خود کرده است، امکان دسترسی به اطلاعات و جزئیات زندگی دوستان، آشنایان و حتی غریبه‌ها و چهره‌های مشهور را افزایش داده است. این دسترسی امکان بیشتری برای کاربران به وجود آورده تا زندگی خود را با دیگران مقایسه کنند. این مقایسه به جهت اینکه افراد بهترین لحظات خود را با بیشترین جلوه‌های ویژه از بهترین زاویه منعکس می‌کنند، اغلب شخص را به مایوس شدن از وضعیت خود دچار می‌سازد. احساس ناکامی و محرومیت برآمده از این مقایسه اجتماعی، ترس از دست دادن و جاماندن را در افراد افزایش می‌دهد؛ و به تشدید احساس فومو می‌انجامد. فومو^۱ یا ترس از بقیه جا ماندن^۲ یک احساس روانی است که در نتیجه آن فرد خود را در مقایسه با گروه رقیب یا دوستان که در نظر او در حال پیشرفت یا انجام فعالیت‌های جالب و لذت‌بخش هستند، کم‌خاصیت، جامانده و مایوس از رقابت می‌بیند. یافته‌های حاصل از برخی پژوهش‌های تجربی با قاطعیت نشان داده

1. FOMO

2. Fear of missing out

است عضویت در اینستاگرام با فراهم آوردن امکان مقایسه اجتماعی و ایجاد احساس محرومیت، نگرانی و اضطراب ممکن است به ظهور یا گسترش فومو در عموم کاربران قطع نظر از سن و سال بیانجامد (مقدس و قاسمی پور، ۱۴۰۰، ص. ۲۴۷)؛ زیرا مشاهده و تعقیب پست‌های مثبت از تجربیات خاص مثل موفقیت‌های شغلی، ارتقای تحصیلی، سفرهای تفریحی، گذران اوقات فراغت به شیوه‌های خاص، جشن‌های تولد و امکانات لوکس زندگی خواه‌ناخواه دنبال‌کنندگانی که خود امکان و یا فرصت بهره‌مندی یا تجربه‌ای از این دست را ندارند، متأثر و مأیوس می‌سازد. درحقیقت آن‌گونه که آگنیو در نظریه «فشار عمومی» بیان می‌دارد چنین روابط منفی به هیجانات منفی می‌انجامد (Agnew, 1992, p. 57). در خصوص نوجوانان احساس فومو انتقال‌یافته در نتیجه حضور در اینستاگرام بیشتر است چه آنکه نوجوانان شناخت کمتری از واقعیت‌های زندگی دارند و فضای مجازی را فراتر از واقعیت باور دارند؛ لذا این چنین است که در آن‌ها نوعی احساس رنجش، ناکامی و ناراحتی پدید می‌آید که مسبب آن را در درجه اول اطرافیان خود و سپس ساختار اجتماعی و دولت می‌بینند و با ابراز خشونت انتقادی در مقام واکنش به این وضعیت برمی‌آیند.



شکل (۶): مؤلفه‌های جرم‌شناختی دخیل در خشونت کارناوالی

۷. راهبردهای کنترل خشونت نوجوانان در اینستاگرام

خشونت نوجوانان در اینستاگرام به سرعت به سمت خارج شدن از کنترل و سرایت به

دیگر همسالان سوق پیدا می‌کند؛ لکن آنچه که در حال حاضر فوریت دارد کنترل سرایت و گستره خشونت‌ورزی و استقرار حالت پایدار است. درحقیقت در وضعیت کنونی برای مهار خشونت‌ورزی نوجوانان و ممانعت از گسترش آن لازم است: اولاً، در الگوواره سیاست جنایی مشارکتی، شهروندان جامعه را به مشارکت اجتماعی در مقابله با جرم فراخواند؛ ثانیاً، برمبنای رویکرد «کاهش آسیب» به کنترل صدمات نظر داشت و ثالثاً، با «واکنش‌های فوری و متناسب» به هرج‌ومرج و بی‌هنجاری‌های این شبکه اجتماعی خاتمه داد.

۷-۱. افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان با مسدودیت‌زدایی

پس از مسدودسازی اینستاگرام و دشواری استفاده از این شبکه اجتماعی هرچند از شمار کاربران چندان کاسته نشده است؛ لکن بافت اجتماعی فعال در این شبکه اجتماعی دچار تغییرات معناداری شد، به‌گونه‌ای که از شمار کاربران بزرگسال و افرادی که پایبندی بیشتری به مقررات یا ارزش‌های اجتماعی دارند، کاسته شد. شاهد سخن آنکه در سال ۱۴۰۰ بیش از ۲۷ درصد افراد بالای ۵۰ سال در این شبکه اجتماعی فعالیت داشتند؛ لکن در سال ۱۴۰۲ این آمار به ۱۷ درصد کاهش یافته است (مرکز ملی افکارسنجی دانشجویان، ۱۴۰۲). با این تغییر در بافت اجتماعی، نوع محتواهای بارگذاری شده و نوع استفاده از این شبکه نیز متفاوت شده است. پیش از مسدودسازی محتواها و پخش زنده‌های آموزشی، مباحثات سیاسی - اجتماعی و موارد مشابه دیگر سهم قابل توجهی از محتوای این شبکه داشت پس از مسدودسازی، اینستاگرام به طرز قابل‌ملاحظه‌ای به فرهنگ توده‌ای و عامه‌پسند نزدیک شده است و هرزه‌نگاری، برهنگی، نفرت‌پراکنی و خشونت جایگزین موضوعات پیشین شد. هرچند به لحاظ پلتفرمی شبکه‌های اجتماعی جهانی و خارج از اراده حاکمیت ایران است؛ لکن به آن جهت که عموم تعاملات ایرانیان در قلمرو فارسی زبان این شبکه‌ها است؛ لذا سیاست‌گذاری‌های متصدیان فضای مجازی ایران در این خصوص مؤثر است و با قاطعیت می‌توان گفت که مسدودسازی اینستاگرام موجب حذف شهروندان شریف، دینداران و حتی عموم بزرگسالان شده است و به‌تبع این موضوع قلمرو فارسی‌زبان اینستاگرام علی‌رغم غنای فرهنگی جامعه ایران اسلامی نسبت به دیگر کشورها که مسدودسازی ندارند، به مراتب مسموم‌تر و ضد اخلاق‌تر است؛ به‌عنوان نمونه یک مطالعه تجربی که بر موضوع تنوع جوک‌های فارسی قبل و بعد از مسدودسازی تمرکز نموده است، نشان می‌دهد مسدودسازی باعث بیان بیشتر جوک‌های سیاه به‌خصوص در مقوله جنسیتی و کاهش جوک‌های سفید با هدف

خنده صرف شده است (طالبی میرزایی و مهدوی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱۳)؛ لذا همان طور که دیگر پژوهشگران نیز بیان داشته‌اند باید اذعان نمود مسدودسازی به‌عنوان یک ابزار اجتماعی اثربخش برای جلوگیری از حریم‌شکنی‌های فضای سایبر عمل نخواهد کرد (معراجی اسکوئی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۲۴۰؛ حاجی ده‌آبادی؛ سلیمی و دهقانی، ۱۴۰۱)، بلکه برعکس با مسدودیت‌زدایی می‌توان ضمن جلب مشارکت فرهنگی کاربران بزرگ‌سال یا والدین، صیانت هرچه بیشتر از فضای سایبر را با به جریان انداختن مشارکت عمومی از طریق نهی از منکر تأمین نمود. چه آنکه وقتی پدر و مادر نوجوان در فضای اینستاگرام حضور داشته باشند، علاوه‌براینکه نوجوان کمتر اقدامات هنجارشکنانه انجام می‌دهد در فرض انجام چنین اقداماتی، والدین نیز سریع‌تر متوجه موضوع شده و آن را کنترل می‌کنند. همچنین وقتی افراد پایبند به دیانت و شریف در این فضا بیشتر باشند محتوای جذاب سالم بیشتر تولید و پسند^۱ می‌شود و به این ترتیب بازدید محتواهای سالم بالا رفته و بازدید محتواهای ناسالم کمتر می‌شود. این در حالی است که با سیاست فعلی مسدودسازی می‌توان اذعان داشت که اغلب این افراد از اینستاگرام خارج شده‌اند.

باید توجه داشت که مسدودسازی‌زدایی لازم؛ لکن ناکافی است و علاوه‌برآن باید بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی کاربران در فضای مجازی را کاست. یکی از دلایل عدم اقدام شهروندان در مقابله با رفتارهای خشونت‌آمیزی که در فضای مجازی مشاهده می‌نمایند ناشی از کثرت ناظران است. مطابق با نظریه‌مداخله ناظران^۲ اگر ناظر خشونت تنها باشد احتمال مداخله وی برای توقف خشونت بالا می‌رود ولی اگر چند نفر با هم ناظر وقوع خشونت باشند، احتمال مداخله پایین خواهد آمد. به دیگر سخن پُرشماری ناظران سبب می‌شود تا احساس مسئولیت در میان ایشان تقسیم شود (مریسان، ۱۳۹۳، ص. ۸۰). در فضای مجازی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی که شمار متعددی از افراد حضور دارند این وضعیت به‌مراتب بیشتر محقق است؛ لذا ضروری است با تفهیم اهمیت مشارکت فرهنگی شهروندان در فضای اینستاگرام که امروزه زیستگاه اول کودکان و نوجوانان شده است، مشارکت اجتماعی مؤثر ایشان به جریان افتد. چه آنکه با تغییر بافت اجتماعی اینستاگرام و افزایش مشارکت اجتماعی کاربران به‌سادگی می‌توان از ابزارهای موجود در این شبکه برای کنترل خشونت‌ورزی استفاده نمود.^۳

1. Like

2. The intervention of observers

۳. یکی از این امکانات ابزارهای محدود کردن «Restrict» یا مسدود کردن «block» با گزارش مرتکبان خشونت توسط دیگر کاربران است.

۲-۷. کاربست سیاست‌های کاهش آسیب

کاهش آسیب^۱ یکی از راهکارهای مراقبت از سلامت عمومی است و به سیاست‌ها و برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که هدف اولیه آن‌ها کاهش آثار، عواقب و عوارض انحراف یا بزه‌کاری است. در حقیقت کاهش آسیب سیاستی است که جایگزین نوینی برای جلوگیری از آسیب‌های بالقوه در رفتارهای پُرخطر افراد جامعه است (رحیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۸۸). رویکرد کاهش آسیب مبتنی بر مبانی واقع‌گرایی است و در مواجهه با مسائل اجتماعی این واقعیت را می‌پذیرد که دفع یا کنترل کامل انحراف یا بزه‌کاری ممکن نیست؛ لذا با تمرکز بر اقداماتی که صدمات ناشی از بزه‌کاری را کمتر می‌کند درصدد مهار عواقب منفی انحرافات یا جرایم است. این رویکرد، آسیب‌ها را از دو جنبه بررسی می‌کند آسیب‌هایی که از اقدام فرد به خودش وارد می‌شود و آسیب‌هایی که فرد با رفتار انحرافی یا جرم خود به جامعه وارد می‌کند. هرچند سیاست‌های کاهش آسیب، بیشتر برای جرایم مواد مخدر^۲ مطرح می‌شود (رحیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۶۵۲). لکن هیچ مانعی وجود ندارد تا از این تدابیر برای کنترل دیگر انحرافات مانند خشونت نوجوانان در فضای سایبر استفاده شود. با عنایت به علل خشونت‌ورزی نوجوانان یکی از تدابیر کاهش آسیب قابل طرح، پذیرفتن مکان‌هایی برای تخلیه هیجان و ابراز «خشونت کنترل‌شده»^۳ نوجوانان است؛ به‌عنوان نمونه حضور در ورزشگاه‌ها که ممکن است آسیب‌ها و بدآموزی‌های احتمالی متعددی برای نوجوانان به همراه داشته باشد بدان جهت که کنترل‌پذیری بیشتری نسبت به فضای رهای اینستاگرام دارد، گزینه مناسبی در راستای سیاست‌های کاهش آسیب است. چه آنکه در صورتی که نوجوان شرایط حضور و تخلیه هیجان و خشم خود را در مکان‌هایی نظیر ورزشگاه‌ها مساعد ببینند، از خشونت‌های کارناوالی خود در فضای اینستاگرام می‌کاهد. فراتر از این تسهیل صدور مجوز و اجازه دسترسی کم‌هزینه به آن دسته از بازی‌های غیربرخط ویدئویی که خشونت محدود دارد می‌تواند گزینه مناسبی برای کاهش آسیب‌های خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام باشد. چراکه: اولاً، سطح خشونت و تعاملات نوجوانان را در قالب چنین بازی‌هایی بهتر و بیشتر می‌توان کنترل و مهار نمود؛ ثانیاً، آسیب‌های بازی‌های خشن ویدئویی در حال فقط متوجه بازیکن

1. Damage reduction

۲. به‌عنوان نمونه دولت‌ها برای مصرف امن مواد مخدر مکان‌ها و مواد استریل را در اختیار معاندان قرار می‌دهند تا عوارض فردی مصرف مواد مخدر (بیماری‌های هیپاتیت و ایدز) و آثار نامطلوب اجتماعی ناشی از آن (هنجارشکنی و تحریک دیگران به مصرف) کنترل شود.

3. Controlled violence

می‌شود و با این تدبیر از آسیب‌های اجتماعی ناشی از خشونت اجتناب می‌شود. باید توجه داشت که کاربست سیاست کاهش آسیب در خصوص این موضوع به جهت حساسیت آن، خالی از مخالفت نخواهد بود و یکی از مهم‌ترین دلایل عدم تمایل سیاست‌گذاران در جامعه ایران به اتخاذ رویکردهایی همچون «سیاست کاهش آسیب» که از حیث عقلانی قابل توجیه و مبتنی بر هزینه - فایده منطقی موانع شرعی است. لیکن در تقابل میان رویکرد سنتی (با هدف تنبیه و درمان) و سیاست کاهش آسیب (با هدف ارتقاء بهداشت فردی و اجتماعی) مباحث اصولی «ضد»، «اجتماع امر و نهی» و «تزامم» در توجیه سیاست کاهش آسیب قابل طرح است و تبیین مطالب اصولی نشان می‌دهد که مباحث «تزامم» و «اجتماع امر و نهی» در غالب موارد حکم به ترجیح سیاست کاهش آسیب بر رویکرد سنتی می‌دهد (رحیمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۱)؛ لذا توسعه چنین سیاست‌هایی در خصوص موضوع خشونت با مانع فقهی و اصولی خاصی مواجه نیست.

۷-۳. حتمیت و فوریت واکنش قضایی - ترمیمی

خشونت‌ورزی نوجوانان در برخی از مدل‌های رایج خود مانند خشونت تصنعی با معیارهای «عقلانیت هدف - وسیله‌ای»^۱ یا «عقلانیت ابزاری»^۲ منطبق است و بسیاری از نوجوانان در توسل به خشونت عقلانی عمل می‌کنند و خشونت‌ورزی آن‌ها را می‌توان به‌عنوان یک رفتار عقلانی مورد تحلیل قرار داد (طالعی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۴۵). در این معنا نوجوان کارآمدترین ابزار را برای رسیدن به هدفی که دارد برگزیده است. ابزاری که به بهترین صورت ممکن، ترجیحات و منافع وی را محقق می‌سازد و درعین حال کمترین هزینه را برای وی دربردارد. باید توجه داشت که یک روی این انتخاب عقلانی توجه به هزینه‌های احتمالی است. در وضعیت فعلی که عملاً به جهات فنی و تعدد مصادیق و محتوای مجرمانه توجه خاصی به خشونت ورزی نوجوانان در اینستاگرام صورت نمی‌گیرد و اغلب واکنش خاصی متوجه این نوجوانان نمی‌شود، هزینه‌های خشونت‌ورزی در ارزیابی نوجوان بسیار پایین در نظر گرفته می‌شود؛ لذا علاوه بر خشونت‌ورزی‌هایی که توسط «نوجوانان بی تفاوت به خطر»^۳ و «نوجوانان خطرپذیر»^۴ صورت می‌گیرد «نوجوانان خطر گریز»^۵ نیز چون

1. Means-End Rationality
 2. Instrumental Rationality
 3. Risk Neutral teenagers
 4. Risk Lover teenagers
 5. Risk Averter teenagers

برای خشونت‌ورزی، عاقبت ناخوشی را تخمین نمی‌زنند، با خیالی آسوده به خشونت اینستاگرامی می‌پردازند. با این مبنا؛ برای مهار اپیدمی خشونت نوجوانان در اینستاگرام درهم‌شکستن این محاسبه نوجوانان با افزایش حتمیت و فوریت واکنش به خشونت ضروری است. در این میان مسئله اصلی اصل واکنش فوری به موضوع است و نوع واکنش در درجه دوم اهمیت قرار دارد که می‌تواند از سنخ تدابیر ترمیمی نظیر میانجی‌گیری، نشست‌های خانوادگی یا ابتکارهای دیگری نظیر آموزشگاه‌های جایگزین^۱ باشد. همچنین ممکن است تدابیر واکنشی از سنخ تدابیر قضایی مانند اقدامات تربیتی یا مجازات‌های نقصان یافته باشد که با توجه به رویکرد مناسب قانون‌گذار به بزهکاری اطفال و نوجوانان و نهادهای ارفاقی متناسب نباید با نگرانی از اقدامات قضایی، بی‌واکنشی در خصوص خشونت‌ورزی نوجوانان در اینستاگرام را ادامه داد. چه آنکه: اولاً، واکنش‌های موجود در نظم کنونی قوانین کیفری در خصوص اطفال و نوجوانان مطلوب و مناسب است و نباید این واکنش‌ها را سخت‌گیرانه تلقی نمود؛ ثانیاً، هزینه‌های عدم واکنش نسبت به نوجوانان بزهکار و سایر نوجوانان متأثر از این وضعیت بسیار بالاست. درحقیقت نمی‌توان از آثار منفی انفعال در این خصوص غفلت ورزید؛ لذا در کنار تدابیر فوق‌الذکر، وجود تدابیر قضایی نیز در منظومه مقابله با گسترش خشونت‌ورزی نوجوانان ضروری است.

نتیجه‌گیری

نوجوانان به‌گونه‌ای بی‌سابقه در معرض انحراف از اخلاق و قانون قرار گرفته‌اند. یکی از رفتارهای رایج آن‌ها در فضای مجازی و به‌ویژه اینستاگرام توسل به خشونت است.

۱. بهره‌برداری از «آموزشگاه‌های جایگزین» برای دانش‌آموزان نابه‌هنجار تدبیری است که در برخی کشورها دنبال می‌شود. این آموزشگاه‌ها به عنوان یک اقدام تربیتی می‌تواند در قالب پیشگیری ثالث با تمرکز بر دانش‌آموزان دارای پیشینه خشونت آموزش‌ها لازم و اختصاصی را با قوت بیشتری به‌کار بست. این آموزشگاه‌ها درواقع گونه‌ای از برنامه پیشگیری از جرم آموزشگاه‌محور هستند که بر پایه آن دانش‌آموزان نابه‌هنجار از آموزشگاه‌های معمولی جدا شد و در آموزشگاه‌های کوچک‌تری مشغول به تحصیل می‌شوند که امکان حمایت بیشتر از ایشان وجود داشته باشد هرچند مدل استاندارد واحدی از آموزشگاه‌های جایگزین برای کودکان بزهکار وجود ندارد ولی باور عمومی بر آنست که این آموزشگاه‌ها بتوانند فضای آموزشی مثبت‌تری به نسبت آموزشگاه‌های معمولی برای این کودکان مهیا کنند آموزشگاه‌های جایگزین در ابتدا برای دانش‌آموزان بسیار موفق و تیزهوش بنا شد؛ لیکن در عمل این رویکرد مورد توجه جرم‌شناسی نیز قرار گرفت. پژوهش‌های مختلفی اثبات نموده‌اند چنین آموزشگاه‌هایی توفیقات نسبی در پیشگیری سطح ثالث داشته‌اند بر پایه تحقیق استیفن کاکس درباره آموزشگاه‌های جایگزین برخی از آموزشگاه‌های جایگزین توانستند به اهدافی مانند بهبود وضعیت تحصیلی تمایل به درس و آموزشگاه و بالا بردن اعتمادبه‌نفس و کاستن از سطح انحراف و خشونت موفق عمل نمایند (Cox & et al., 1995).

ساختار کنترل گریز و محدودیت‌ناپذیر اینستاگرام فرصت خشونت‌ورزی را بیش‌ازپیش تسهیل نموده است. هنگامی که گمنامی بی‌نظیر کاربران در اینستاگرام با همراهی جمعیت متراکم نوجوانان در این فضا همراه می‌شود به‌گونه‌ای تصاعدی رفتارهای مخرب و ناهنجار از سوی نوجوانان بروز می‌یابد. گویی ترکیب «گمنامی بالا» و «جمعیت متراکم» در فضای اینستاگرام توهم رویین‌تن‌پنداری و در اکثریت بودن را به نوجوانان القا می‌کند و آن‌ها را آماده ارتکاب هر نوع خشونت‌ورزی می‌نماید. علاوه بر بستر و ساختار خاص اینستاگرام، ابزار خشونت توسط کاربران نوجوان در فضای مجازی معلول عوامل مختلف فردی و اجتماعی است که این عوامل در ترکیب و تعامل با یکدیگر تشدید یافته و به‌صورت مضاعفی موجبات خشونت‌ورزی نوجوانان را فراهم می‌نماید. خشونت‌ورزی نوجوانان اغلب در سه مدل مختلف «خشونت کارناوالی»، «خشونت تصنعی» و «خشونت اعتراضی» انجام می‌شود. خشونت کارناوالی با انگیزه‌های ماجراجویی و تخلیه هیجان صورت می‌گیرد. این مدل خشونت‌ورزی که بیشتر در میان پسران شایع است اغلب به‌صورت گروهی انجام می‌شود علت اصلی رخداد چنین خشونتی بیش از همه به فقدان فرصت شکوفایی برای این دسته از نوجوانان مربوط می‌شود زمانی که این بی‌فرستی با محدودیت‌های شدید جامعه برای شادی و نشاط اجتماعی همراه می‌شود، تخلیه هیجان به‌صورت زیرزمینی صورت می‌گیرد و یکی از گزینه‌های در دسترس نوجوان برای خشونت زیرزمینی اینستاگرام خواهد بود. مدل دیگر خشونت‌ورزی، خشونت تصنعی یا نمایشی است که با انگیزه دیده‌شدن صورت می‌گیرد. برخلاف مدل قبل این مدل خشونت، بیشتر در میان دختران شایع است و اغلب به‌صورت انفرادی انجام می‌شود. عوامل مختلفی در وقوع این نوع از خشونت‌ورزی مداخله دارند به‌طور مشخص «خودکنترلی پایین» که اغلب ناشی از تربیت ناصحیح والدین است و «تشویق دیگران» مهم‌ترین عوامل پیدایش این مدل نوین خشونت یعنی خشونت نمایشی یا تصنعی شده است. بی‌تفاوتی خانواده‌ها و تشویق دیگران بر دمیده شدن در شعله‌های این خشونت بسیار مؤثر است؛ زمانی که دیده‌شدن در فضای مجازی منفعت اقتصادی برای نوجوان دارد، رفتارهای ضارزش نوجوان توسط والدین نادیده گرفته می‌شود از سوی دیگر، عموم کاربران به رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان بازخوردهای مثبتی نشان می‌دهند و این موضوع انگیزه‌های نوجوانانی را که ممکن است در فضای واقعی چندان مورد توجه قرار نگرفته باشند، برای استمرار رفتارهای خشونت‌آمیز دوچندان می‌سازد. در این مدل خشونت‌ورزی دختران بیش از پسران امکان

درگیر شدن در رفتارهای توأم با خشونت را دارند؛ در واقع دختران به هم‌جهت فطری و هم‌به‌دلیل کم‌توجهی و تبعیض جنسیتی در خانواده بیشتر نیاز به دیده‌شدن دارند و زمانی که اقدامات آن‌ها بازخوردهای مثبت بیشتری را به همراه دارد، میل بیشتری به ادامه رفتارها خواهند داشت. مدل سوم خشونت یعنی خشونت اعتراضی نوجوانان در نتیجه کنترل شدید خشم و نارضایتی فروخورده از جامعه یا خانواده است. این مدل به نحو تقریباً برابری در میان دختران و پسران وفور دارد. مدل خشونت‌ورزی اعتراضی، بیش‌از‌همه معلول روابط و تعاملات اجتماعی منفی نوجوان با خانواده یا جامعه است که به هیجانات و احساسات منفی در درون وی منجر می‌شود و فضای مساعد و در دسترس اینستاگرام راهی برای تسکین این هیجان در نظر گرفته می‌شود. نباید نادیده گرفت که قسمتی از این هیجانات منفی ناشی از احساس فومو یا جاماندن از دیگران است که از پرسه‌زنی طولانی در اینستاگرام و مقایسه وضعیت واقعی نوجوان و وضعیت نمایشی دیگران بر نوجوان عارض می‌شود، قسمت دیگر مربوط به روابط ناصحیح نوجوان با خانواده یا عدم درک وی توسط اعضای خانواده و بخشی هم ناشی از ساختارهای اجتماعی است که به نظر نوجوان ناعادلانه می‌آید.

از آنجاکه مجموعه‌ای از علل و عوامل در رخداد خشونت اینستاگرامی نوجوانان مؤثر است برای مقابله با گسترش این خشونت و سرایت آن به دیگر نوجوانان کاربست مجموعه مرتبط، مکمل و منظمی از تدابیر یا به تعبیری منظومه‌ای از تدابیر و اقدامات ضروری است؛ بنابراین در منظومه مقابله با گسترش خشونت نوجوانان در اینستاگرام باید در درجه اول بر «فرهنگ‌سازی» در سطوح مختلف تأکید گردد؛ زیرا رفتار افراد اساساً به وسیله ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی انتظام‌یافته راهنمایی می‌شود و خشونت و بزهکاری تصویری از عجز نظام ارزشی، اخلاقی و فرهنگی است. برای خشونت‌ورزانی که به زندگی دوم پای می‌گذارند توسل به هر رفتاری، ولو جرم یا خشونت مجاز می‌شود چه آنکه در این بخش تمامی مفاهیم و ارزش‌های دنیای واقعی به پوچی گراییده و بنیان‌های بایدهای فرهنگی سست‌شده و یا کاملاً از بین رفته است. پس از اهتمام به مقوله فرهنگ بایسته است با رویکردی واقع‌گرایانه با اتخاذ رویکرد مسدودسازی‌زدایی در اینستاگرام، بافت اجتماعی آن را از حالت فعلی خارج و زمینه مداخله و مشارکت فرهنگی کاربران شریف جامعه فراهم شود. چه آنکه موضوعات فرهنگی - اجتماعی در درجه اول پاسخ‌های هم‌سنخ و هم‌جنس با خود را می‌طلبند و تدابیر محدودیت‌افزا در فضای مجازی به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند راه چاره یا قسمتی از آن باشد. همچنین ضروری است از سیاست‌های

محدودسازی و کنترل‌گرایی افراطی بر نوجوانان در فضای واقعی دست کشید. توضیح آنکه در شرایطی که برخی قوانین رسمی و هنجارهای عرفی، کمتر اجازه بروز و ظهور احساسات، هیجان، شادی و فعالیت پُرنشاط اجتماعی را به کودکان و نوجوانان می‌دهد، کودکان و نوجوانانی که اجازه تخلیه احساس و هیجان خود را در فضای واقعی مسدود می‌بینند به اینستاگرام به‌عنوان یک منطقه آزاد از هنجارها و قوانین محدودکننده، پناه آورده و در این فضا شور و هیجان خود را بروز می‌دهند؛ لذا ضروری است برمبنای «کاهش آسیب» به حداکثر گزینه‌های ممکن برای تخلیه انرژی، هیجان و خشونت‌های طبیعی دوران نوجوانی توجه داشت. باید توجه داشت که اتخاذ رویکرد کاهش آسیب به معنای عدم مقابله فرهنگی - قانونی با خشونت نیست بلکه صرفاً بدان جهت است که در منظومه سیاست جنایی نباید از مهار آسیب‌ها غافل شد. برای بسته‌شدن درب‌های زندگی دوم یا کارناوالی باید گروه‌های حاشیه‌ای را درک کرده و از روند زیرزمینی شدن آنها جلوگیری به عمل آورد و درنهایت در منظومه مقابله با خشونت‌ورزی نوجوان در اینستاگرام باید به بی‌واکنشی به رفتارهای انحرافی در فضای اینستاگرام خاتمه داد. از این‌روی نباید از «حتمیت و فوریت واکنش‌های قضایی - ترمیمی» غفلت نمود. بنا بر آنچه گفته شد، راهبردهای سه‌گانه مقابله با خشونت نوجوانان در فضای اینستاگرام به‌طور مشخص عبارت‌اند از:

- ۱- با کاستن از مسدودسازی‌های غیرضروری، زمینه حضور بزرگسالان و شهروندان قانونمدار و تغییر بافت اجتماعی موجود در شبکه اینستاگرام فراهم گردد؛
- ۲- با رویکردی واقع‌گرایانه و توسل به سیاست‌های کاهش آسیب، بیش‌ازپیش اجازه بروز و تخلیه احساسات و هیجانات نوجوانان، در قالب فعالیت‌های اجتماعی مشروع داده شود؛
- ۳- پاسخ‌های قضایی و مددکاری به انحرافات نوجوانان در فضای اینستاگرام به‌صورت قطعی و فوری انجام شود و هیچ انحراف اجتماعی در این فضا بدون پاسخ باقی نماند؛

با شناسایی علل و عوامل متعددی از معضل خشونت‌ورزی اینستاگرامی نوجوانان و توسل به راهبردهای سه‌گانه کنترل خشونت که در این نوشتار مورد تمرکز قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود دیگر پژوهشگران متناظر با علت‌های شناسایی‌شده در این نوشتار و دیگر پژوهش‌ها، مجموعه‌ای از راهبردها و تدابیر مقابله‌ای با خشونت‌ورزی نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی را مطرح نمایند.

فهرست منابع

- آقایی، سارا (۱۳۹۷). *تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی*. تهران: انتشارات میزان.
- احمدی، حبیب (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
- امیریان، امین و کشوری، الهام (۱۴۰۱). *تحلیل جرم‌شناختی قانون‌گریزی با چشم‌انداز سایبری (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهرستان اصفهان در بازه زمانی سال ۱۳۹۵)*. *نشریه علوم خبری*، ۱۱(۴۳)، ۱۳۵-۱۶۰.
- بابایی، محبوبه و دیگران (۱۳۹۲). *عوامل و ریشه‌های خشونت در دانش‌آموزان دبیرستانی آذرشهر. فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۰(۳۹)، ۱-۱۲.
- پارسامهر، مهربان؛ سعیدی مدنی، سیدمحسن و دیوبند، فائزه (۱۳۸۹). *رابطه پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده با خشونت میان فردی نوجوانان پسر در شهر یزد. خانواده پژوهی*، ۶(۱)، ۷۱-۸۶.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان (۱۳۹۸). *بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های اینترنت: از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم ترمیمی. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۹(۱)، ۴۱-۶۳.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان و دهقانی، پرویز (۱۴۰۱). *پالایش محتوا در سنجه حق‌های بنیادین و رهیافت‌های جرم‌شناختی؛ نقد وضع موجود و درآمدی بر وضعیت مطلوب. حقوق فناوری‌های نوین*، ۳(۶).
- دادستان، پریخ (۱۳۸۹). *روان‌شناسی جنایی*. تهران: انتشارات سمت.
- رحیمی‌پور، ایمان؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر و امیدی، جلیل (۱۳۹۷). *تبیین سیاست کاهش آسیب از منظر اصول فقه. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۲)، ۱۴۱-۱۷۰.
- رحیمی‌پور، ایمان؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ محقق داماد، مصطفی؛ فرجیها، محمد و امیدی، جلیل (۱۳۹۵). *سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر «مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا»*. *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۰(۳)، ۸۴-۱۱۰.
- سهامی، سوسن (۱۳۸۱). *بزهکاری و خرابکاری. تازه‌های روان‌درمانی*، ۵(۱۸-۱۷)، ۱۰۶-۱۲۳.
- سهراب‌زاده، مهران و سلیمان‌نژاد، محمد (۱۳۹۹). *مطالعه کیفی علل و زمینه‌های خشونت نوجوانان دبیرستانی. توسعه اجتماعی*، ۱۴(۳)، ۶۱-۹۰.
- طالبی، محمدعلی؛ میرزایی، خلیل و مهدوی، سیدمحمدصادق (۱۳۹۹). *تنوع‌پذیری*

- جوک‌های فارسی تلگرامی قبل و بعد از محدودسازی استفاده کاربران از این پیام‌رسان در ایران. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۶(۲۱)، ۲۱۳-۲۴۶.
- طالعی، علی؛ اسمعیلی، معصومه؛ فلسفی‌نژاد، محمدرضا؛ کاظمیان، سمیه و برجعلی، احمد (۱۳۹۸). خشونت و پرخاشگری در شبکه‌های اجتماعی مجازی از دیدگاه نوجوانان: یک مطالعه پدیدارشناسی. *مشاوره کاربردی*، ۹(۱)، ۲۹-۴۸.
- طاولی، آزاده و زند نژاد، فاطمه (۱۴۰۲). نقش واسطه‌ای صفات سنگدلی - فقدان همدلی در رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و قلدری نوجوانان دختر. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۹(۳)، ۴۵-۶۵.
- فاضل، رضا (۱۳۸۷). رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید و توسل به آن در کودکان. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۵(۵۴)، ۳۳-۵۶.
- فلینت، گیل (۱۳۹۳). *دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*. برگردان: مهدی سیدزاده ثانی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.
- گلچین، مسعود و حیدری، علی‌حیدر (۱۳۹۱). خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه: مطالعه‌ای اجتماعی در دبیرستان‌های پسرانه نورآباد (لرستان). *مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۱)، ۲۱۲-۱۷۷.
- مرکز ملی افکارسنجی دانشجویان جهاد دانشگاهی (۱۴۰۲). *پیام‌رسان‌ها و رسانه‌های اجتماعی محبوب ایرانیان معرفی شد*. قابل دسترس در: <https://www.ispa.ir>
- میرسان، الیزابت (۱۳۹۳). *مداخله ناظران، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*. برگردان: مهدی سیدزاده ثانی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
- معراجی اسکوثی، شلاله؛ محمدخانی، کامران؛ دلاور، علی و فرهنگی، علی‌اکبر (۱۴۰۱). حریم‌شکنی‌های فرهنگی سایبری و ابزار کنترل اجتماعی ادراک‌شده در میان کاربران ایرانی اینستاگرام. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۸(۳۱)، ۲۴۷-۲۱۱.
- مقدس، اعظم و قاسمی‌پور، فرزانه (۱۴۰۰). بررسی تأثیر عضویت در شبکه اجتماعی اینستاگرام در بروز سندرم فومو میان کاربران (مطالعه موردی جمعی جوانان ۱۸ تا ۴۰ ساله شهر مشهد). *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۱۱(۱)، ۲۴۵-۲۷۰.
- وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۹۲). *جرم و جرم‌شناسی، مجموعه مطالعات کج‌روی و*

کنترل اجتماعی. ترجمه: علی سلیمی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنیپس، جفری (۱۳۹۱). جرم‌شناسی نظری. ترجمه:
 علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت.

- Agnew, Robert (1992). Foundation For A General Strain Theory Of Crime And Delinquency. *Criminology*, 30(1), 47-88.
- Akers, R. (1998). *Social learning and social structure: a general theory of crime and deviance*. Boston, MA: Northeastern University Press.
- Bandura, A. (1965). Influence of models' reinforcement contingencies on the acquisition of imitative responses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1(6), 589-595.
- Chan, S.; Khader, M.; Ang, J.; Tan, EMY.; Khoo, K. & Chin, J. (2012). Understanding Happy Slapping. *International Journal of Police Science And Management*, 14(1).
- Cox. S. M.; Davidson, W. S. & Bynum, T. S. (1995). A Meta-Analytic Assessment Of Delinquency-Related Outcomes Of Alternative Education Programs. *Crime & Delinquency*, (41), 219-234.
- Gershoff E. T. & Grogan-Kaylor A. (2016). Spanking and child outcomes: Old controversies and new meta-analyses. *Journal of Family Psychology*, Advance online publication.
- Jaishankar, K. (2008). *Space Transition Theory Of Cyber Crimes*. In F. Schmallegger & M. Pittaro (Eds.), *Crimes Of The Internet* (pp. 283-301). Upper Saddle River, Nj.
- Merriman, M. (2015). *What If The Next Big Disruptor Isn'ta What But A Who*. Gen Z Is Connected, Informed And Ready For Business.
- Pardini, D.; Waller, R. & Hawes, S. (2015). *Familial influences on the development of serious conduct problems and delinquency*, In J. Morizot & L. Kazemian (Eds.). The development of criminal and antisocial behaviour, 201-220.
- Prensky (2001). Digital Natives; Digital Immigrants. *On The Horizon*, 9(5).
- Sawyer, A. M.; Borduin, C. M. & Dopp, A.R. (2015). *Long-term effects of prevention and treatment on youth antisocial behavior: a meta-analysis*. Clin. Psychol. Rev.
- Thawabieh, A. M. & Ahmed Al-rofo, M. (2010). Vandalism at boys scholls in jordan. *journal of educational science*, 2(1), pp:41-46.
- Wandera & et al. (2017). Violence against children perpetrated by peers: A cross-sectional. *School-Based Survey in Uganda Child Abuse & Neglect*, 68(2017), 65-73.
- Wolfgang, M. E. & Ferracuti, F. (1967). *The Subculture Of Violence: Towards An Integrated Theory In Criminology*. London: Tavistock.
- Wright, Darlene R. & Kevin M. Fitzpatrick (2006). Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students. *Social Forces*, 84(3), 1435-1453.

References

- Aghaei, S. (2018). *Crime Analysis in Cultural Criminology*. Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
- Agnew, R. (1992). Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency. *Criminology*, 30(1), 47-88.
- Ahmadi, H. (2013). *Sociology of deviance*. Tehran: Samt Publications, Sixth edition. (In Persian)
- Akers, R. (1998). *Social learning and social structure: a general theory of crime and deviance*. Boston, MA: Northeastern University Press.
- Bandura, A. (1965). Influence of models' reinforcement contingencies on the acquisition of imitative responses. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1(6), 589-595.
- Bernard, T.J.; Snipes, J.B. & Gerould, A.L. (2012). *Theoretical Criminology*, Translated by Ali Shojaei, Tehran: Samt Publications, Fifth edition. (In Persian)
- Chan, S.; Khader, M.; Ang, J.; Tan, E.M.Y.; Khoo, K. & Chin, J. (2012) Understanding "Happy Slapping". *International Journal of Police Science and Management*, 14(1), 42-57.
- Cox, S.M., Davidson, W.S. & Bynum, T.S. (1995). A Meta-Analytic Assessment of Delinquency-Related Outcomes of Alternative Education Programs. *Crime & Delinquency*, 41(2), 219-234.
- Dadsetan, P. (2009). *Criminal Psychology*. Tehran: Samt Publications, Eighth edition. (In Persian)
- Fereell, J.; Hayward, K. & Young, J. (2008). *Cultural Criminology*. London: SAGE Publications Ltd, First Published.
- Flint, G. (2014). Bullying, *Encyclopedia of victimology and crime prevention*, Translated by Mehdi Seyedzadeh Sani, Under the supervision of Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Tehran: Mizan Publications, Vol.1, first edition, pp.58-63. (In Persian)
- Flint, G. (2014). The intervention of observers, *Encyclopedia of victimology and crime prevention*, Translated by Mehdi Seyedzadeh Sani, Under the supervision of Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Tehran: Mizan Publications, Vol.1, first edition, pp.80-84. (In Persian)
- Gershoff E. T. & Grogan-Kaylor A. (2016). Spanking and child outcomes: Old controversies and new meta-analyses. *Journal of Family Psychology, Advance online publication*.
- Haji Dehabadi, M.A. & Salimi, E. (2019). Delinquency and Victimization of Digital Natives; from Etiology to Response in the Restorative Justice Paradigm. *Criminal Law and Criminology Studies*, 49(1), 41-63. (In Persian)
- Haji Dehabadi, M.A.; Salimi, E. & Dehghani, P. (2022). Legal-Criminological Pathology of Cyberspace Refinement in Iran. *Modern Technologies Law*, 3(6), 77-94. (In Persian)
- Jaishankar, K. (2008). Space Transition Theory Of Cyber Crimes. In F. Schmallegger & M. Pittaro (Eds.), *Crimes Of The Internet* (pp. 283-301). Upper Saddle River, Nj.

- scholls in jordan. *journal of educational science*, 2(1), pp:41-46.
- The National Center for Opinion Survey of Academic Jihad Students (2023) Messengers and social media popular among Iranians was introduced, available at: <https://www.ispa.ir/>. (In Persian)
- Wandera & et al. (2017). Violence against children perpetrated by peers: A cross-sectional. *School-Based Survey in Uganda Child Abuse & Neglect*, 68(2017), 65-73.
- White, RD. & Haines, F. (2013). *Crime and Criminology: Textbook of theories of crime and deviance*, Translated by Ali Salimi, Tehran: Research Institute of the Field and University, Fifth edition. (In Persian)
- Wolfgang, ME. & Ferracuti, F. (1967). *The Subculture of Violence: Towards an Integrated Theory in Criminology*, Edited by Franco Ferracuti & Marvin E. Wolfgang. London: Tavistock Publications.
- Wright, Darlene R. & Kevin M. Fitzpatrick (2006). Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students. *Social Forces*, 84(3), 1435-1453.